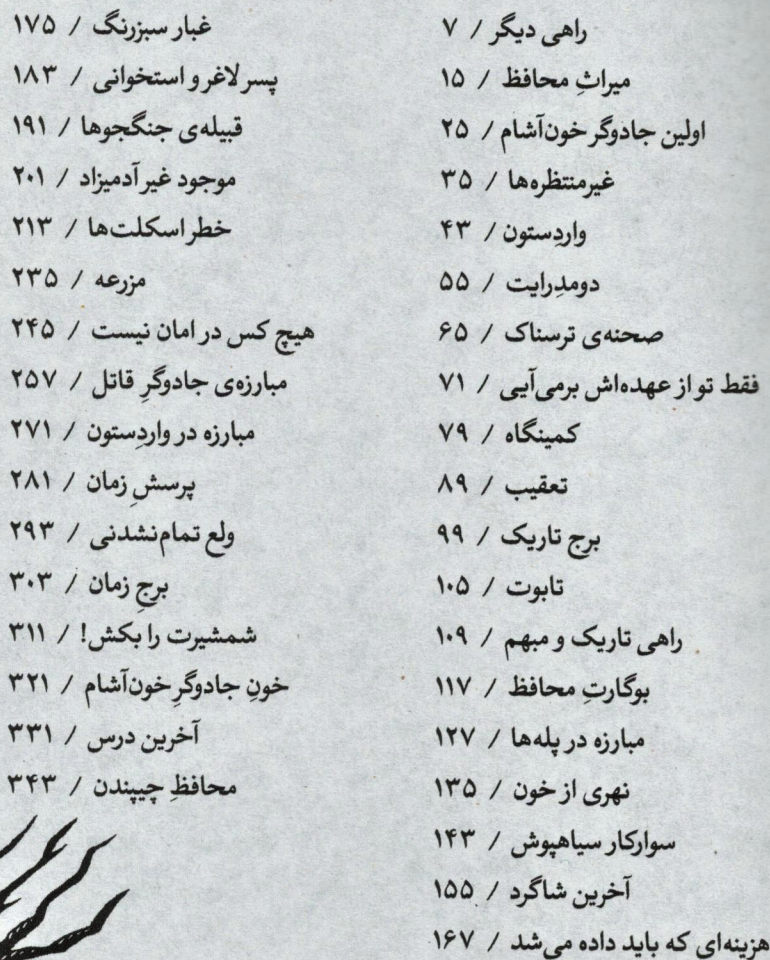


جوزف ديليني
مريم منتصرالدوله

آخرين شاگرد / ۱۰
خشم هفتمين پسر

www.ofoqco.com

- 
- غبار سبزرنگ / ۱۷۵
پسر لاغر و استخوانی / ۱۸۳
قبیله‌ی جنگ‌جوها / ۱۹۱
موجود غیر آدمیزاد / ۲۰۱
خطر اسکلت‌ها / ۲۱۳
مزرعه / ۲۳۵
هیچ کس در امان نیست / ۲۴۵
مبارزه‌ی جادوگرِ قاتل / ۲۵۷
مبارزه در واردستون / ۲۷۱
پرسشِ زمان / ۲۸۱
ولع تمام‌نشدنی / ۲۹۳
برجِ زمان / ۳۰۳
شمشیرت را بکش! / ۳۱۱
خونِ جادوگرِ خون‌آشام / ۳۲۱
آخرین درس / ۳۳۱
محافظِ چپ‌پند / ۳۴۳
- راهی دیگر / ۷
میراثِ محافظ / ۱۵
اولین جادوگرِ خون‌آشام / ۲۵
غیرمنتظره‌ها / ۳۵
واردستون / ۴۳
دوم‌درایت / ۵۵
صحنه‌ی ترسناک / ۶۵
فقط تواز عهده‌اش برمی‌آیی / ۷۱
کمینگاه / ۷۹
تعقیب / ۸۹
برج تاریک / ۹۹
تابوت / ۱۰۵
راهی تاریک و مبهم / ۱۰۹
بوگارتِ محافظ / ۱۱۷
مبارزه در پله‌ها / ۱۲۷
نهری از خون / ۱۳۵
سوارکار سیاهپوش / ۱۴۳
آخرین شاگرد / ۱۵۵
هزینه‌ای که باید داده می‌شد / ۱۶۷

راهی دیگر

ناگهان درحالی که قلبم به شدت می‌زد، سراسیمه از خواب پریدم؛ کابوس می‌دیدم. روی تختم نشستم. احساس می‌کردم مریض شده‌ام. چند لحظه حالت تهوع داشتم، اما کم‌کم آرام شدم. توی خواب در حال کشتن آلیس بودم؛ داشتم استخوان‌های شستش را می‌بریدم!

کمتر از یک ماه به برگزاری مراسم هالووین باقی مانده بود و باید آن مراسم وحشتناک را به جا می‌آوردم. این کاری بود که بقیه از من انتظار داشتند.